

## بزهکاری؛ واقعیتی نامشخص

دکتر ناصر مهران<sup>۱</sup>

جوامع بشری، به ویژه نهادهای حقوقی کشورها و کارشناسان بین المللی، تقریباً برداشت‌های مشترک و شناسایی متحد الشکلی را از جرایم و مجرمان دارند که به طور وسیع در حالات مختلف در بطن جامعه به منصفه ظهور می‌رسد و در حد خود موجبات برانگیخته شدن اختلافات شدید در تعادل، آرامش، امنیت و بهداشت اجتماعی است.

ولی از ذات و جوهره بزهکاری و مسائل و مشکلاتی که به وجود می‌آورد اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ زیرا یک واقعیت نامشخص اجتماعی است. شناخت بزهکاری و مصادیق آن در جهان آن‌چنان پیچیده و دشوار است که دسترسی به خصوصیات مجرمانه و ریشه‌یابی آن، محتاج پژوهش‌ها و مطالعات گوناگون و فراوان در علم جرم‌شناسی و علوم وابسته از جمله «جامعه‌شناسی جنایی»<sup>۲</sup>، «انسان‌شناسی جنایی»<sup>۳</sup> و «روان‌شناسی جنایی»<sup>۴</sup> و سایر علوم تأثیرگذار

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی نراق.

۲. جامعه‌شناسی جنایی (sociologie \_ criminelle) علمی است که درباره مشکلات جنایی در یک جامعه از نظر عملی بحث می‌کند و از علوم پایه جرم‌شناسی است. محور مطالعات جامعه‌شناسی جنایی بزهکاری می‌باشد که تاریخی طولانی دارد و نیمه نخست سده نوزدهم با ظهور مکتب جغرافیایی کتله بلژیکی و «گری» به وجود آمد.

۳. انسان‌شناسی جنایی یا مردم‌شناسی (ANTHROPOLOGIE \_ CRIMINELLE) با آنتروپولوژی عمدتاً از رومبا بیماران روانی، رفتار جنایتکاران، علت جنایات، ناراحتی‌های عصبی، ضعف اراده، محرک جرم و شخصیت بزهکاران بحث می‌کند و به‌طور کلی انسان‌شناسی جنایی ویژگی‌های وضع جسمانی و اعمال اعضای بدن و اناری که می‌تواند در تشدید بزه داشته باشد مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد و پایه گذار آن سزار لمبروزو جرم‌شناس معروف ایتالیایی است.

۴. روان‌شناسی جنایی (PSYCHOLOGIE \_ CRIMINELLE) بسیکولوژی یا سایکولاجی به‌مدد روان‌کاوی به عمق

است، تا این امکان حاصل شود که تا حدودی علل، انگیزه‌ها، طغیان‌ها، تجاوزات و تهاجمات حیاتی آشکار شود و نتیجتاً با ارزیابی دقیق توسط کارشناسان و جرم‌شناسان، روش‌ها و رویکردهای پیشگیری از وقوع جرم و استراتژی‌های ضد بزهکاری مد نظر قرار گیرد.

پیش از آن‌که به تحولات رفتار و پیامدهای مفسده‌انگیز بزهکاران از جهات مختلف بپردازیم و پیش از آن‌که به نظام‌هایی که جرم‌شناسی برای بهبود روابط افراد در روابطشان با هم‌نوعان خود در نظر گرفته توجه کنیم و آن‌را مورد مطالعه قرار دهیم، لازم است به اختصار جرم و جرم‌شناسی را تعریف کنیم. اساس تفکر جرم‌شناسی جامعه است که در عین حال هم مربوط به انسان‌سازی است و هم مربوط به بررسی انگیزه‌هایی است که بزهکار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد و در نتیجه مطالعات جرم‌شناسی بیشتر مصروف تجزیه و تحلیل و پژوهش‌هایی می‌شود که فرآیند اجتماعی آن، بزهکاری را به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر محور اصلی جرم‌شناسی مطالعه و تحقیقات دور‌نمایی بزهکاران است. در این بعد، مطالعه جرم و نظریات مختلفی که در خصوص تعریف آن ابراز شده، از اهمیت ویژه برخوردار است. با توجه به این‌که مفهوم بزه در جوامع مختلف متغیر است نمی‌توان تعریفی فراگیر و جامع و مانع از آن ارائه داد، ولی آنچه پیامدهای وقوع جرایم را نشان می‌دهد می‌توان مورد سنجش قرار داد. ذیلاً به ذکر نظریات چند تن از دانشمندان جرم‌شناس اکتفا می‌شود. طبق نظریه بسیار منطقی «آنریکوفری»<sup>۱</sup> جامعه‌شناس بزرگ ایتالیایی جرم بر اثر پیوپسیکو سوسیال، یا «روان‌شناسی اجتماعی» صورت می‌گیرد، ولی مجازات به موجب وقایع روانی و اجتماعی جرایم مختلف صورت می‌پذیرد که مربوط به مرتکب نیست و برای آن مجازات تعیین می‌کنند. مضافاً بر این‌که مجازات‌ها هم یک

↳ روان بزهکار وانگیزه‌های ناخود آگاه او می‌بردازد و با روان پزشکی ارتباط نزدیک دارد و عمدتاً درباره شخصیت جنایتکاران، عوامل جرم‌زا، علل بروز جرم (خاصه عوامل روانی) پیشگیری از وقوع جرم با استفاده از روان‌کاوی و شیوه‌های تست (TEST) می‌پردازد. بنیانی جرم‌شناس مشهور فرانسوی روان‌شناسی هوش، منش و استعداد‌های اجتماعی را بدان افزوده است. همچنین «اتین دوگوریف» بلژیکی یکی دیگر از چهره‌های درخشان جرم‌شناسی نظریات وسیعی درباره روان‌شناسی جنایی ابراز داشته است.

1. ENRICO \_ FERRI(1857 \_ 1929)

نواخت و شبیه یکدیگر هستند. بنابراین، قیاس مع الفارق است و به همین دلیل مجازات بیهوده و بی تأثیر است. «رافائل گاروفالو»<sup>۱</sup> جرم‌شناس بزرگ ایتالیایی می‌گوید: جرم اهانتی است که در هر زمان و هر کشور نسبت به احساسات و سجایای احسان، امانت و درستکاری انجام می‌شود.<sup>۲</sup>

«امیل دورکهایم»<sup>۳</sup> فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی در کتاب خود قواعد و روش‌های جامعه‌شناسی<sup>۴</sup> می‌گوید: جرم عملی است که احساسات قوی و مشخص وجدان گروهی را جریحه‌دار می‌سازد. این تعریف جنبه کلاسیک پیدا کرده است. علاوه بر تعریف‌های مذکور از جرم، هر تعریف دیگری که نظام‌های اجتماعی به بزه داده باشد و واکنش علیه بزه کاری در آن متجلی و توجیه شود، این نکته را آشکار می‌سازد که جرم بر حسب دیدگاه‌ها و نظریات مکاتب و جرم‌شناسان مختلف دارای صور گوناگونی است و تعریف‌ها از نظر وضع جغرافیایی و طبیعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی، قوانین، عرف و عادت، آداب و رسوم کشورها با هم متفاوت است و می‌تواند دارای مکانیسم‌های کنترل اجتماعی و سیاست‌های کیفری متنوعی باشد.

از نظر ویژگی‌های جهانی و مفاهیم نسبی و اجتماعی نیز بر حسب زمان و مکان ممکن است عملی جرم محسوب شود یا نشود. با این تفصیل واکنش جامعه نسبت به آن، بیشتر از اصول اخلاقی و سنتی نشئت می‌گیرد و مجازات با در نظر گرفتن درجه وخامت اختلال اندازه‌گیری و معین می‌شود. در این باره شگفت‌آور نیست که یادآوری شود، بزه‌کاری با وجود گسترش علوم و پیشرفت‌های مادی و انسانی و بهبود شرایط و شیوه‌های جدید زندگی و مبارزات چشمگیر با جرم و جرم‌زایی، نه تنها کاهش نیافته، بلکه در سطح بی‌سابقه و وسیعی، به ویژه نسبت به جرایم خشونت‌آمیز و حاصل از پیشرفت تکنولوژی و جرایم ارتكابی به وسیله اشخاصی که در رده‌های بالای اجتماعی قرار دارند و در رابطه با شغلشان صورت می‌گیرد

1. R.GAROFALO (1852 \_ 1934)

۲. مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر نجفی ابرندآبادی.

3. AMIL \_ DURKHEIM (1858 \_ 1917)

4. LES \_ REGLESEETT. LESVMETHODES DES CRIMIVOLOGIES

جرایم بقیه سفید)<sup>۱</sup> و بز هکاران حرفه‌ای دنیای تجارت، بیمه و مالیات‌ها و غیره که یکی از مهم‌ترین مسائل زمان حاضر است، افزایش یافته و وحشت‌گروهی و ناامنی را موجب شده است. زیرا این بز هکاران حسابگرند و قادر به ارزیابی خطرهای اجتماعی یا مورد انتظار هستند و با آگاهی به قواعد و اصول نقض قوانین و فرار از دستگیری و کیفر، به سادگی به اعمال ناشایست خود، که گاه موجب ورشکستگی بودجه‌ای و مالی دولت‌ها می‌شود، ادامه می‌دهند و در آمار پلیس و دادگستری از آن‌ها اثری نیست. تبه‌کاری در افکار عمومی و آکنش‌هایی ایجاد می‌کند که ناامنی در رأس آن قرار دارد و در افکار عمومی و احساسات مردم آثار سوء به جای می‌گذارد. ناامنی سرلوحه کند و کاوها و برنامه‌های بین‌المللی نیز می‌باشد که بیشتر یک تجمل است نه ضرورت مبارزه و پیشگیری و برقراری امنیت جهانی. به طوری که آمارها، مخصوصاً آمارهایی که از طرف سازمان ملل متحد و انترپول انتشار می‌یابد، نشان می‌دهد پیامدهای مفسده‌انگیز و جرم‌زا با ابعاد گسترده و پیچیده اجتماعی و سیاسی همچنان موجود و تأثیرگذار است. شاید هم نظام‌های کیفری تأثیری قاطع بر بز هکاری ندارد و به لحاظ ناتوانی در مقابله با مجریان حرفه‌ای که به گونه‌ای فزاینده ناسازگارند ندارد. لذا ذکر این نکته مهم است که بپذیریم با وجود از دیاد روز افزون میزان بز هکاری، قوانین کیفری بر هیچ اساس روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی متکی نیست و تا حد ارزش‌های مبهم و عمیقاً رنگ‌باخته تنزل پیدا کرده و به تنهایی برای منصرف کردن بز هکاران، مخصوصاً بز هکاران حرفه‌ای و خطرناک کافی نیست، بلکه در مورد کلیه جنایات، سرزنشی را که باید به دنبال داشته باشد ندارد. لذا ایجاب می‌کند که دولت‌ها با اتخاذ روش‌ها و راهکارهای گسترده و کارشناسانه و تدابیر اطمینان‌بخش در ایجاد تعادل، دوام و آرامش جوامع به طور جدی ایفای نقش کنند.

چنان‌که در بالا اشاره شد ما در خصوص بزه و بز هکار اطلاعات زیادی داریم،

۱. جرایم بقیه سفید یا به فرانسه LE.CRIME.EN.COL BLAN آن دسته از جرایمی است که افراد متعلق به طبقات بالای اجتماع - یعنی افرادی که از نظر سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی صاحب نفوذ هستند - مرتکب می‌شوند و به اعتبار وضع ظاهری آراسته آنان (کت و شلوار تیره، پیراهن سفید و کراوات هم‌آهنگ) جرایم آنان را بقیه سفید می‌نامند. یکی از معروف‌ترین کتاب‌های ادوین سانزلد جرم‌شناس بزرگ آمریکایی خیانت بقیه سفید یا WHITE.COLLOR.CRIME نام دارد که در سال ۱۹۲۹ منتشر شد. دانشنامه جرم‌شناسی، تألیف دکتر نجفی آرند آبادی و حمید هاشم بیگی، ص ۳۱۹.

در مقابل، در مورد علل، افکار و الگوهای مجرمانه و گرایش‌های بزهکاری از اطلاعات کمی برخورداریم؛ زیرا شخصیت عمیق هر بزهکار غالباً به صورت یک راز باقی مانده است و امیدهای بسیاری که از فرضیه‌های زیست‌شناختی (بیولوژی) به منظور بیان و توصیف بزهکاران از نظر وراثتی و فیزیولوژیکی به وجود آمده، با شکست مواجه شده. لذا با وجود تفاوت‌های مهم در نظام‌های سیاسی، قانونگذاری، فرهنگی و ساختارهای اقتصادی بیش از ۱۸۷ کشور که جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند، به ما این امکان را می‌دهد که به گرایش‌های اساسی بزهکاری توجه کنیم و با تجزیه و تحلیل‌های منطقی علل و عوامل فردی و گروهی آن را از نظر درونی و برونی جستجو کنیم و ضمن آشنایی با دورنما و افق‌های تازه بزهکاری و جلوه‌های جدید آن که به اشکال مختلف گریبانگیر بشر شده است، برای آزادسازی و بیداری ملت‌ها و حفاظت اجتماع به عنوان مأموریتی محققانه مورد سنجش قرار دهیم.

برای بررسی و تعمق بیشتر در موضوع اصلی جرم‌شناسی، یعنی «بزهکاری»، سیر تحوّل آن را از زمانی که جرم‌شناسی به‌طور علمی و مدوّن با ممیزات نو و کیفیات و نظامات فزاینده پا به عرصه وجود گذاشت و در دنیا پذیرفته شد، آغاز می‌کنیم.

#### ۱. تیپ مجرمانه (LE TYPE CRIMINEL)

از توجه پویا به پدیده بزهکاری و واقعیت‌های اثر بخش آن بیش از یک سده کامل می‌گذرد. این دوره علمی از ۱۸۷۶ با انتشار کتاب ارزنده «چزاره لمبروزو»<sup>۱</sup> پزشک نظامی و استاد دانشگاه تورین ایتالیا به نام انسان جنایتکار<sup>۲</sup> در دو جلد شروع شد که در آن، دو موضوع اساسی مورد بحث قرار گرفته: یکی پدیده مجرمانه و دیگری مطالعاتی که در جهت واکنش اجتماعی در خور توجه است. لمبروزو با همکاری شاگردانش «آنریکوفری» و «گاروفالو» مؤلفان کتاب‌های جامعه‌شناسی جنایی و جرم‌شناسی پایه‌های علم جرم‌شناسی نوین را بنا نهاد و به‌طور پویا با گذر از اندیشه بر

1. CESARE \_ LOMBROSO (1835 \_ 1909)

2. L'HOMME CRIMINEL

عمل تیپ مجرمانه را در یک سیستم علمی قرار داد و انقلاب عظیمی به وجود آورد. لمبروزو به دنبال کالبد شکافی و معاینه یک سارق حرفه‌ای به نام ویللا «VILLELA» در سال ۱۸۷۰ شروع به تحقیق خصوصیات و نشانه‌های غیر عادی در بزهاکاران نمود و بدین ترتیب بود که مشخصات تیپ مجرمانه را که به نظر وی یک تیپ از تیپ‌های شناخته شده در رشته انسان‌شناسی است و ماهیت توارثی دارد، معین کرد.<sup>۱</sup>

این سه دانشمند جرم‌شناس از مؤسسان مکتب تحقیقی یا جبر یون<sup>۲</sup> بودند که پیروان آن اراده آزاد را در موقع ارتکاب جرم نفی می‌کردند و به جبر معتقد بودند. همچنین به پیشگیری اجتماعی و اقدامات تأمینی که تقریباً جایگزین مجازات است، پای بند بودند و به طور کلی با تجربیات به دست آمده مدعی بودند که جرم باید نشانه و علامتی باشد که لازم است علت آن را یافت.

## ۲. قتل عمدی (ASSASSINATION)

شدیدترین عملی که بزهاکاران ممکن است به خاطر اغراض سیاسی، یا انتقام، یا توهمات و خیال‌پردازی‌های نابجا و یا ناراحتی‌های روانی مرتکب شوند، قتل عمدی است که غالباً علاوه بر موارد یاد شده در اثر احساسات و خصوصیات آسیب‌شناختی است؛ مانند عصبانیت، کینه، نفرت و حسادت و عشق که در حالت‌های مختلف مجرمانه تجلی می‌کند و قدمت آن به تاریخ پیدایش بشر روی کره زمین می‌رسد. قتل‌های سیاسی برای تضعیف یا براندازی یک حکومت و قتل‌های خائنانه مثل قتل با سبق تصمیم<sup>۳</sup> و یا تروریسم برای ایجاد رعب و وحشت و بر هم زدن امنیت عمومی و اقتدار دولت‌ها که در جریان آن ممکن است هزاران

۱. مقارن همین زمان دکتر «لاکاسانی» (LACASSAGNE . ALEXANDRE) (۱۸۴۳ - ۱۹۳۳) پزشک نظامی فرانسوی در نخستین کنفرانس بین‌المللی انسان‌شناسی جنایی رم (۱۸۸۵) در مقابل نظریه تیپ مجرمانه لمبروزو با مخالفت ضمنی، آموزه محیط اجتماعی را بیان کرد که منظور اوکل عوامل مؤثر خارجی مربوط به آب و هوا، عوامل فیزیکی و سمیایی، و عوامل تربیتی است که فرد را احاطه کرده. تفکر لاکاسانی در زمینه جرم‌شناسی در این جمله مشهور او خلاصه می‌شود: «هر جامعه بزهاکارانی دارد که شایسته آن است» و محیط اجتماعی ظرف کشف بزهاکاری است و میکروپ فرد بزهاکار است و وقتی در همین طرف بارور شود گسترش یافته و رسد می‌کند.

2. ECOL \_ DETERMINISME. ITALIENNE.

3. L'HOMICIDE AVEC PREMEDITATION

نفر از افراد بیگناه جان خود را از دست بدهند. این نوع بزهکاری از مخوف‌ترین و سهمگین‌ترین اعمالی است که در نقاط مختلف دنیا و به اغراض خاص صورت می‌گیرد و سازمان‌های بین‌المللی باید برای سلامت زندگی و آرامش جامعه اقدامات عاجل در ریشه کن کردن آن انجام دهند.<sup>۱</sup>

### ۳. آثار وراثت در بزهکاری (SUCCESSION)

وراثت علمی است مستقل و مهم که از ماهیت مادی عوامل به وجود آورنده صفات و خصوصیات حیاتی در موجودات زنده و چگونگی عمل آن‌ها در دوران‌های مختلف حیات و نحوه انتقال خصوصیات فردی و نژادی از پدر و مادر به فرزندان و اعقاب آن‌ها از یک نسل به نسل‌های بعد از آن و از چگونگی تکامل و انقراض موجودات زنده بحث و گفتگو می‌کند. مطالعه ماهیت مادی و شیمیایی عوامل مولد صفات و محل استقرار و طرز عمل آن‌ها و نحوه تأثیر دو عامل «ارثی و محیطی» در یک موجود و خصوصیات فرزندان به وجود آمده بعدی، از مسائلی است که در این مبحث مورد گفتگو است.

تأثیر وراثت در بروز بیماری‌های مختلف، به‌ویژه با اعمالی خلاف مثل ارتکاب جنحه و جنایت و پیدایش گونه‌های مقاوم در آن‌ها و هزاران مشابه دیگر، از مباحثی است که تنها در علم ژنتیک آ و با تجارب و قوانین آن قابل مطالعه و بررسی است. در این جا سؤال این است که آیا تبهکاری معلول قوانین وراثت و جبر جنایی بیولوژیک است؟ و آیا می‌توان انتظار داشت که دانش ژنتیک در آینده نسل تکامل یافته و برتر از نسل کنونی پدید آورد که دستان خود را به جرم و جنایت آلوده نسازد؟

۱. تروریسم (LE \_ TERRORISME) تهدید یا توسل به قتل و جرح و خرابکاری به منظور ایجاد جو رعب و هراس است که از دهه ۱۹۷۰ به این طرف به سرعت در کشورهای غربی افزایش یافته و نوعاً بدون هر گونه جنگ چریکی یا شورش عمومی روی می‌دهد و وجه مشترک آن، انتقال دادن پدیده بزهکاری در مقیاس جهانی است.
۲. علم ژنتیک دانش مطالعه ژن‌هاست که همان سازندگان مواد پروتئینی خمیر مایه موجودات جاندار است. زن‌ها به وجود آورنده شکل‌ها، چهره‌ها، زیبایی، بینایی، جسمانی، چشایی، گویایی و شنوایی هستند. همچنین ژن‌ها همان واحدهای وراثتی هستند که تمام ویژگی‌های موجودات زنده را از والدین به مولود و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند مبدأ اصلی پروتئین سازی زن‌ها هستند، به طوری که هر پروتئین زن مسئول و ویژه‌ای دارد. دکتر پزشکیور سستشی، مجله دانشمند، شماره ۱۱، ۱۳۷۲.

پاسخ این است که علم جرم‌شناسی در حال حاضر به این حقیقت دست یافته است که تمایلات جنایی ارثی نیست، فقط ممکن است بعضی از خصائص روانی یا بیماری‌ها، یا گرایش‌های شخصیتی ارثی باشد. به عبارت دیگر جبر جنایی و تمایلات به تبه‌کاری تابع قوانین ژنتیک نیست و خصالت‌های بزه‌کارانه تابع قوانین «مندل»<sup>۱</sup> هم نمی‌باشد، ولی می‌توان با اعتلای فرهنگ و تعلیم و تربیت با تمام وسائل در حفظ و رشد و بهبود خصائص تکوینی نسل‌های آینده انسانی کوشش نمود تا از مخاطرات و انحطاط مصون ماند؛ و بهسازی نژاد یا «اوتزنیسم»<sup>۲</sup> پدید آید.

از طرفی برخی از دانشمندان جرم‌شناس معتقدند که یکی از عوامل بزه‌کاری، اثر وراثت بر رفتار انسانی است که در این مسئله شاخص‌هایی مثل مادرزادی بودن<sup>۳</sup> (آنچه مربوط به زهدان مادر است) سرشتی بودن<sup>۴</sup> و خصائص آن که شامل حالات جسمانی نیز می‌شود و مفاهیم مربوط به اختلاف کروموزوم‌ها<sup>۵</sup> و تأثیرات فیزیکی و روانی که خود زمینه‌ساز بزه‌کاری در طول زندگی مخصوصاً در دوران اولیه کودکی می‌باشد، در کنار پیشینه‌های ارثی سوابق شخصی قبل از تولد تأثیرات

۱. یوهان گرگور مندل (Y.G. MENDEL) (۱۸۴۴-۱۸۸۴) پایه‌گذار علم ژنتیک در آلمان و اتریش است که در قرن ۱۹ عوامل انتقالی ارث را در گیاهان و نباتات بررسی کرد.

۲. اوتزنیسم (AUGENISME) کلمه‌ای است یونانی به معنای «تولید نیکو».

۳. لمبروزو جرم‌شناس معروف ایتالیایی در کتاب خود، انسان جنایتکار وجود جانین مادرزادی را پذیرفته - «فری» نیز در تقسیمات پنج‌گانه بزه‌کاران بر آن صحنه گذاشته - و گفته است زندگی این گروه وقف جنایت است. اما همان‌طوری که در متن یادآوری شد، پس از آن‌که علم ژنتیک موضوع را به‌طور عمیق مورد بررسی قرار داد و به بررسی نقش استعدادها در جرم‌شناسی پرداخت، بی‌اعتباری و بطلان نظریه لمبروزو در مورد جانی مادرزادی به اثبات رسید.

۴. سرشت تبه‌کارانه معرف ظرفیت جنایی و حالت آمادگی خاص در ارتکاب جنایت است. دی تولیو (DI\_TULLIO) استاد دانشگاه رم در کتاب ارزنده خود، سرشت تبه‌کاری و درمان بزه معتقد است: سرشت تبه‌کاری یک عامل اساسی مخصوص تبه‌کاری است و این‌ها خطرناک و از شخصیت‌های پسیکوپاتیک هستند.

۵. کروموزوم (CHROMOSOMES) از دو کلمه یونانی KHROMA به معنی رنگ و زوما SOMA به معنای جسم رنگین ترکیب شده و از اصطلاحات یافته‌شناسی است و عنصر اصلی هر سلول را تشکیل می‌دهد. هنگام تولید مثل ۲۳ جفت از کروموزوم‌های هر یک از پدر و مادر با هم می‌آمیزند و نطفه را تشکیل می‌دهند. در هر عامل مرد و زن ۲۳ جفت کروموزوم وجود دارد که ۲۲ جفت آن در مرد و زن، یکی است و به آن «اتوزوم» (AUTOSOME) می‌گویند که تعیین‌کننده منش‌های ارثی می‌باشند. جفت بیست و سوم که بین مرد و زن متفاوت است و به آن GONOSOME می‌گویند، تعیین‌کننده جنس نر و ماده جنین می‌باشند. این دو جفت در مرد از دو کروموزوم «XY» و در زن از دو کروموزوم «XX» تشکیل می‌گردد. در صورتی که شکل ترکیبی کروموزوم جنسی جنین دو (XX) باشد کودک دختر و اگر X و Y (XY) باشد کودک پسر است. روانشناسی کبیری عمومی، دکتر سیروس عظیمی، ص ۸۲ به بعد.



فیزیولوژیکی، غذایی، عضوی، طبیعی (ناشی از سن زیاد مادر) آسیب دیدگی مربوط به زایمان (کمبود اکسیژن مغز در زمان زایمان)، اختلالات مغزی و الکلیسم را نیز نباید از نظر دور داشت.

«از قدیم نقش وراثت، خواه به دلیل تجربه اجداد ما، خواه به علت کنجکاوی بشر در شناخت ناشناخته‌ها، مورد توجه بسیار بوده؛ از جمله شباهت‌های ظاهری والدین با فرزندان چون سیاهی چشم‌ها و سپیدی رخسار و مقایسه رفتارهای پدر و مادر با فرزند چون نحوه خشم و شکل‌های محبت و مهرورزی و مانند این‌ها، وراثت را همیشه به عنوان یک پدیده قابل تأمل مطرح کرده است.»<sup>۱</sup>

#### ۴. تأثیر اختلالات کروموزومی در بزهکاری

گاهی اوقات به نسبت نقصی که در جریان تقسیم کروموزوم بیست و سوم پیش می‌آید یک کروموزوم اضافی X یا Y- ایجاد می‌شود که ناهنجاری مربوط به یک کروموزوم اضافی Y در مردان موجب می‌شود که قد بلندتری از سایر مردان داشته باشند و میزان شیوع ناهنجاری «XYY» میان زندانیان، به ویژه مرتکبین جرایم خشونت‌آمیز نسبت به جمعیت عادی در سطح بسیار بالاتری است.

چنانچه کروموزوم X در نزد زنان اضافه باشد، یعنی به صورت سه ایکس (XXX) یا چهار ایکس (XXXX) عوارض کوتاه خردی و ناهنجاری را به همراه داشته و بروز جنایات را ممکن می‌سازد.<sup>۲</sup>

نخستین بار در سال ۱۹۵۵ رابطه بین کروموزوم اضافی و رفتار غیر عادی و گرایش به اعمال ضد اجتماعی توسط خانم «پاتریشیا ژاکوب» شناخته شد. این دانشمند که روی زندانیان یکی از زندان‌های انگلستان مطالعه می‌کرد متوجه شد ۴٪ زندانیانی که دارای یک کروموزوم اضافی می‌باشند گرایش‌های پرخاشگرانه و حالات غیر عادی دارند. این شناخت مطالعات دامنه‌دارتری را از طرف دانشمندان دیگر در پی داشت و نتیجه آن شد که رابطه کروموزوم اضافی و رفتار غیر عادی رسماً در سال ۱۹۶۶ به اثبات رسید. با قبول این رابطه بود که «دانیل هوگون» قاتل

۱. زمینه جرم‌شناسی، دکتر رضانوربها.

2. J\_LEAUTE\_CRIMINOLOGIE ET. SCIENCE PENITENTIAIRE. PARIS. 1972.PP.15,199.

یک زن فاسد در پاریس و «ریچارد اسپیک» قاتل ۸ پرستار در شیکاگو از مجازات مرگ نجات پیدا کردند؛ زیرا به موجب سؤال رئیس دادگاه از «دکتر لوژان» استاد بررسی های موروئی در مورد این که آیا وجود کروموزوم اضافی در متهم باعث رانده شدن او به سوی جنایت است؟ دکتر لوژان در پاسخ گفته است: بلی این یک واقعیت است که دارنده کروموزوم اضافی یک بیمار است و او را به طرف جنایت سوق می دهد و مسلماً عوامل مستعد کننده محیطی هم در بزهکاری این افراد تأثیر دارد.

### ۵. تأثیرات غدد درون ریز<sup>۱</sup>

خواستگاه این رشته تقریباً از زمانی که جرم شناسی سازمان دهی شد و به عنوان یک رشته مطالعات علمی به وجود آمد (اواخر قرن نوزدهم) سزار لمبروزو اولین جرم شناسی است که در کتاب خود، انسان جنایتکار به تأثیر غدد درون ریز و آثار آن در رفتارهای اجتماعی پرداخت. امروزه در مرحله آزمایش های بالینی بررسی های غده شناسی برای مداوای هورمونی در مورد بعضی از مجرمان جنسی و تکمیل آزمایش ها ضروری است. جانشینان معاصر لمبروزو مثل «دی تولیو» جرم شناس بزرگ ایتالیایی و استاد انسان شناسی دانشگاه رم و «نیکلا پنده»<sup>۲</sup> که بزرگ ترین شخصیت از این رهگذر است نیز کوشیده اند همبستگی هایی که غدد درون ریز از نظر روانی و سیمای بزهکاران به وجود می آورد کشف کنند.<sup>۳</sup>

مهم ترین غدد داخلی درون ریز چهار غده است: ۱. غده هیپوفیز (HYPOPHYSE)؛ ۲. غده صنوبری؛ ۳. غده تیروئید (THYROIDE)؛ ۴. غده آدرنال یا فوق کلیوی (SURRENALE).

این غدد با جنبه های مختلف شخصیت ارتباط مستقیم دارند و در وضع مزاجی و بدنی فرد اثر می گذارند. هورمون های این غدد مستقیماً وارد جریان خون می شوند و به همه نقاط بدن می رسند. اگر این غدد وظایف خود را به خوبی انجام ندهند، اختلال عظیمی در وضع ظاهری، بدنی، مزاج و هوش به وجود می آید. این

۱. ENDOCRINOLOGIE.

۲. N. PENDE.

۳. دانشنامه جرم شناسی، دکتر نجفی و حمید هاشمی، ص ۱۵۴.

تغییرات در وضع اجتماعی فرد هم اثر می‌گذارد؛ مثلاً باعث تنفر، محبت، و کینه می‌شود و یا از نظر ظاهری شخص به صورتی در می‌آید که موجب تمسخر دیگران می‌شود (فرد را به صورت غولی عظیم‌الجثه یا موجود کوچکی در می‌آورد).<sup>۱</sup>

سرانجام، غده‌های مترشح داخلی در پایان سده نوزدهم به وسیله «بران اسکوار»<sup>۲</sup> پزشک و فیزیولوژیست فرانسوی کشف شد. این غده‌ها هورمون‌هایی را در خون ترشح می‌کنند که تأثیر به‌سزایی در اعمال مختلف بدنی انسان، مخصوصاً در زندگی مادی و معنوی او دارند و جرایم خلافی، بی‌عفتی علنی و گاه سرقت را در پی دارد.

## ۶. تعارض فرهنگی<sup>۳</sup>

«تورستین سلین» استاد دانشگاه پنسیلوانیا در سال ۱۹۳۸ در کتاب خود، تعارض فرهنگی و جرم ارتباط تعارض فرهنگی را با بزهکاری تشریح کرد.

سلین معتقد است که ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی و خصوصیات اندیشه‌ها متأثر از نظریه مجموعه قوانین که در کشورهای مختلف اجرا می‌شود امکان دارد که اصولاً با معیارها و رفتارهای متضاد و فرهنگ‌های خاص کشورهای دیگر مواجه شود و تعارض فرهنگی را به وجود آورد و نتیجتاً مورد کشمکش و بزهکاری شود.

سلین این تعارضات را شامل موارد زیر می‌داند:

۱. برخورد قوانین در مرز میان دو قلمرو مختلف؛
۲. گسترش قانون یک گروه فرهنگی و تأثیر آن در قلمرو گروه دیگر که ایجاد ارزش‌های جدیدی را موجب می‌شود؛
۳. مهاجرت اعضای یک گروه فرهنگی به گروه فرهنگی دیگر که با توجه به اهمیت پدیده مهاجرت مخصوصاً در کشورهای مهاجرپذیر مثل آمریکا، کانادا و استرالیا نظریه تعارض فرهنگ‌ها دامنه‌ای وسیع و کلی دارد و تضاد ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی محلی برای تبلور و گسترش بزهکاری دارد.

۱. اصول روانشناسی، ج ۱، تألیف نرمان ل. مان، ترجمه دکتر محمود ساعتچی.

2. BROWNS. SEQUARD (1817 \_1894).

3. (I.E) CONFLICT. DE. CULTURES.

## ۷. حالت خطرناک<sup>۱</sup>

حالت خطرناک، حالتی است که بر اثر عوامل جرم‌زا، اعم از فردی و اجتماعی، و میزان تأثیر آن در فرد معین او را به طرف بزهکاری سوق می‌دهد.

آگاهی کلی از حالت خطرناک مستلزم بررسی اطلاعات دقیق از شخصیت و رفتار بزهکاران و ارزیابی کشش‌های مجرمانه و تجاوزکارانه و مشخصات روانی آنان است که در این مختصر نمی‌گنجد و فعلاً برای آگاهی به مصداق و محور محمولات بر حالت خطرناک نظریه چند تن از دانشمندان جرم‌شناس ذیلاً نقل می‌شود.

۱. مفهوم حالت خطرناک از سال ۱۹۳۸ توسط «گاروفالو» جرم‌شناس بزرگ ایتالیایی وارد جرم‌شناسی شد از نظر او حالت خطرناک بستگی «ظرفیت جنایی»<sup>۲</sup> و درجه انطباق‌پذیری مجرم با زندگی اجتماعی دارد.

۲. دکتر (دوبلینو)<sup>۳</sup> در کتاب خود، مسئله حالت خطرناک<sup>۴</sup> حالت خطرناک را حالت بالقوه موجود و مخصوصاً بارز کسی می‌داند که مقارن با وضع دشوار اجتماعی فعلیت می‌یابد.

ژان پنیاتلی<sup>۵</sup> چهره درخشان جرم‌شناسی فرانسه در کتاب خود، تاریخ نظریه‌های جرم‌شناسی<sup>۶</sup> معتقد است که حالت خطرناک در بزهکاران حرفه‌ای و ناسازگاران اجتماعی که دچار اغتشاشات منشی و هوشی می‌باشند به یقین وجود دارد.

از نظر «لوده» حالت خطرناک یک وضع روان‌شناختی و اخلاقی با خصوصیات ضد اجتماعی است. در تحلیل حالت خطرناک مؤلفان و متفکران دیگر جرم‌شناسی در موارد زیر اشتراک عقیده دارند:

۱. حالت خطرناک در گرو تشخیص آمادگی فرد برای ارتکاب جنایت و تکرار آن است:

۲. شناخت شخصیت بزهکار خطرناک و نمودار خصلت آنان مؤلفه‌های

1. ETAT. DANGEREUT.

2. CAPACITE \_ CRIMINELLE.

3. DR. DUBLINEAU.

4. PROBLEME DE. L'ETAT. DANGEREUX \_ 1954\_ P.137.

5. G. PINATEL.

6. HISTOIRE. DES. DOCTRINES. CRIMINOLOGIQUE.

حالات پرخاشگری، تهاجم، قساوت قلبی و بی تفاوتی عاطفی را به همراه دارد و عده‌ای از آنان دارای تشکیلات و سازمان‌های مجهز ضد اجتماعی برای ارتکاب جرم می‌باشند.

#### ۸. بی‌ثباتی روانی (LABILITE)

فرد دارای بی‌ثباتی روانی کسی است که نمی‌داند چگونه باید از تجربیات گذشته استفاده کند تلون مزاج دارد و سجایای اخلاقی و روحی او متغیر است و بزهدکار بدون ترس با گذر از اندیشه وارد عمل می‌شود و منظور خود را به اجرا در می‌آورد و نابهنجاری و حاکمیت اصل لذت بر واقعیت حاکم است. گابریل تارد قاضی فرانسوی<sup>۱</sup> علی‌رغم نظر مکتب تحقیقی که بزهدکاران را در انجام بزه مجبور می‌داند، معتقد است که بزهدکاران حسابگر و در اطراف اعمالی که می‌خواهند انجام بدهند به‌طور دقیق به محاسبه می‌پردازند و با پشتکار خاص آن را سازمان‌دهی می‌کنند و به مرحله عمل در می‌آورند و با این حال بی‌ثباتی روانی در آنان موجد این حالت است که در تصمیم‌گیری سریع و ارعاب ناپذیرند و در انجام مقصود روحیه‌ای تهاجمی و بی‌اعتنا دارند.

#### ۹. تأثیر عوامل جرم‌زا<sup>۲</sup>

محور مطالعات بزهدکاری از نظر جامعه‌شناسی، تاریخی طولانی دارد. نابسامانی‌های اجتماعی یکی دو تا نیست که بتوان به آن‌ها تکیه کرد. علت‌شناسی بزهدکاری، نوع حکومت‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و اعتقادات مختلف و سایر بی‌هنجاری‌ها از جمله آن‌هاست.

عوامل جرم‌زا عناصری عینی هستند که در ایجاد پدیده مجرمانه دخالت دارند و به‌طور کلی عوامل جرم‌زا به هر وضع جسمانی یا روانی یا اجتماعی گویند که می‌تواند در پیدایش یا افزایش جرم نقش مؤثر داشته باشد. در میان عوامل جرم‌زا

1. TARDE, GABRIEL (1843 \_ 1904).

2. LES FACTEURS \_ CRIMINOGENES.

عواملی وجود دارد همچون، شرایط اوضاع و احوال خاص و مناسب، موقعیت‌ها و فرصت‌های مناسب مثل قتل با سبق تصمیم که در فرصت مناسب انجام می‌شود یا سرقت‌های مسلحانه که غالباً در شب واقع می‌شود.

به نظر استاد جرم شناس فقید، گامتن استفانی فرانسوی عوامل جرم‌زا، که به فهرست اجمالی آن اشاره شد، هر یک دارای نقش واحد نیستند؛ با این حال این عوامل یک موجود تبهکار بالقوه تحویل جامعه می‌دهند. بزه از قوه به فعل در نمی‌آید مگر آن‌که عوامل نامبرده با اقتران، اوضاع و احوال خاص و الحاق به عوامل غیر محسوس مؤثر افتد و جرم به وقوع بپیوندد. در ضمن عوامل فیزیولوژیک جبریت هم تأثیر گذار هستند؛ مثل عصبانیت، و آسیب شناختی که عمده‌تأزمینه صرع، اعتیاد به الکل و مواد مخدر و عقب افتادگی ذهنی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. همچنین عوامل مؤثر بر خلق و خوی، استعداد‌های فیزیکی، فکری، اجتماعی، حرفه‌ای و نیازهای تغذیه‌ای و جنسی در بزهکاری افراد مؤثرند.

برای این‌که محرک‌های جرم‌زا بتوانند به کمک فرآیندهای مختلف طی طریق نمایند طبقه‌بندی متعددی از عوامل جرم‌زا صورت گرفته و عوامل زیست شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی را از هم تفکیک کرده است؛ مثلاً فرآیند فقر اقتصادی، شرایط تورم، فقر فرهنگی، فزونی قوانین، مقررات مختلف شهرنشینی که مزوی بودن انسان‌ها را در بر دارد و از آن‌ها بزهکاران ناسازگار به وجود می‌آورد یا فرآیند ارتباطات که یادگیری مجرمانه را منتقل می‌کند یا محرک‌های دیگر. به عقیده کنیرک جرم شناس سوئدی هر رفتاری که از انسان سر می‌زند واکنش یک عامل جرم‌زا و یک محرک است و تمامی اعمال انسانی تابع یک علت اقوی و تحت تأثیر وضع جسمی و روانی و محیط اجتماعی است و یکی از آن‌ها که قوی‌تر است، علت بزهکاری می‌باشد.<sup>۱</sup> به هر حال نقش عامل از نظر تأثیر بخشی بستگی به افراد دارد؛ زیرا خصوصیات و عواطف افراد با هم فرق دارد و آثار تحریک‌پذیری آن متفاوت است.

## ۱۰. آثار توسعه شهری (شهرنشینی) (L'URBANISATION.)

توسعه شهری، در قرون گذشته به ویژه در اروپا، ریشه دارد. اما در حال حاضر این توسعه به حدی رسیده که مسائل و مشکلات جدید و غدیده‌ای به وجود آورده. در رأس این مشکلات بزهکاری است که با توسعه شهری ملازمه دارد و تابعی از آن است.

روابطی که می‌تواند بین توسعه شهری و بزهکاری وجود داشته باشد متعدد و پیچیده است و از جمله مهم‌ترین آن‌ها تراکم جمعیت است که به بزهکاران امکان گمنامی و فرار از تعقیب و دستگیری را می‌دهد. جامعه شهری هر چه به سوی تجدد و کثرت‌گرایی پیش رود، تحت تأثیر دگرگونی‌های سریع قرار دارد. از جمله تفاوت‌های آشکار در بی‌عدالتی و اختلاف طبقاتی و ناکارایی مثبت کنترل اجتماعی، پلیسی، خانوادگی و قضایی است، مخصوصاً فرآیندهای سریع صنعتی شدن و جستجوی بهبود سطح زندگی از طرف مردمانی که از روستاها به شهرها کوچ می‌کنند.

تراکم بیش از حد جمعیت در شهرها و پیشرفت تکنولوژی و صنعت و متفاوت بودن طرز زندگی و اختلافات طبقاتی غالباً موجب تندخویی و پرخاشگری می‌شود و عوامل دیگر هم از قبیل نقد همبستگی، سیر قهقراپی خانواده و دوستی و محبت، بی‌اعتنایی به معنویات، بی‌بند و باری، شلوغی و سر و صدا، آلودگی هوا و محیط زیست بر اثر تراکم وسایل نقلیه و ترافیک که مشکل رفت و آمد را به وجود می‌آورد و وضع نامشخص مسکن برای افراد فقیر یا کم درآمد و سرانجام، ناراحتی‌های جسمی و روانی هر یک، در وقوع جرایم مؤثر است و ناامنی خود در بطن این مشکلات قرار دارد.

### I. COMMUNAUTE.

«وقتی تراکم جمعیت گریبان یک جامعه را بگیرد، آن جامعه تقریباً کلیه وسایل دفاعی خود را از دست می‌دهد. حکومت همیشه آموزش با رعایت قانون نمی‌گذرد و صاحبان قدرت به راحتی می‌توانند قانون را نادیده بگیرند و مردم عادی یعنی اکثریت قریب به اتفاق اعضای جامعه اعتمادشان را به توانایی قانون از دست می‌دهند و خود را ملزم به رعایت آن نمی‌دانند و در نتیجه مفاسد اجتماعی رشد می‌کند و بزهکاران حرفه‌ای در جنگ با قانون موفقیت‌های روز افزونی در نابود کردن امنیت شهرهای مختلف جامعه و خانواده‌ها به دست می‌آورند.» اضافه جمعیت، بوتول گاستن، ترجمه دکتر حسن پریان.

## ۱۱. شرایط تکوین بزهکاری در محیط (MILIEU)

رویکرد دیگر که بسیار مهم و با اهمیت است، شرایط تکوین بزهکاری در محیط است. شرایط محیط در تکوین بزهکاری تأثیر قطعی دارد و علی‌الاصول محیط‌های خانوادگی، اجتماعی، جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را شامل می‌شود. همچنین اولویت خاصی نسبت به سایر عوامل بزهکاری دارد و در حد خود بسیار بحث‌انگیز است و شایسته است در ابعاد وسیع‌تری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. شرح آن به اختصار چنین است:

در جرم‌شناسی منظور از سه‌کار بردن کلمه محیط جنبه دینامیک (DYNAMIQUE) آن است، یعنی حالت تحرک و جنبش که باعث رشد تکامل هر موجود زنده می‌شود. مخصوصاً نسبت به دگرگونی در شخصیت افراد و شکل‌گیری و پرورش و تکوین آن تأثیر بسزایی دارد. بنابراین، منظور و مفهوم محیط آن محیطی نیست که کلیه ساکنان زمین را احاطه نموده و همین‌طور با محیط غیر ثابت که گذران و غیر ثابت است فرق دارد. به بیانی دیگر محیط عنصر ایستایی یا سکونی (STATIQUE) نیست، بلکه پدیده‌ای پویا و دینامیک است که با فرد تعامل ثابت دارد و بر اثر کنش خود به همان اندازه که بر فرد تأثیر می‌گذارد قابل تغییر است.<sup>۱</sup>

مطالعات عمیق و گسترده‌ای که جرم‌شناسان در زمینه علل وقوع جرایم به عمل آورده‌اند، مؤید این معنی است که تظاهر به ارتکاب هر جرم از نظر کیفیت و کمیت بستگی به شرایط موجود در آن محیط دارد. جرم‌شناسان معتقدند که محیط‌ها آثار انکارناپذیری در شکل وقوع جرایم دارند. کیفیات و شرایطی که مربوط به محیط در زمان وقوع جرم می‌شود، عمل مجرمانه را تسریع می‌کند. اندازه تأثیر شرایط

۱. اگوست کنت (۱۸۵۷ - ۱۷۹۸) جامعه‌شناس بزرگ فرانسوی نخستین کسی است که ماهیت واقعی علوم اجتماعی را آشکار ساخت. او محیط جامعه را به دو قسمت تقسیم کرده: «جامعه‌شناسی ایستا یا سکونی» و «جامعه‌شناسی پویا یا حرکتی». جامعه‌شناسی سکونی، جامعه را در یکی از مراحل محدود و مکان معین مورد پژوهش قرار می‌دهد و به علم تشریح شباهت دارد؛ در صورتی که جامعه‌شناسی پویا اجتماع را در زمان و در حال حرکت بررسی می‌کند و تغییرات و تطورات آن را مورد تحقیق قرار می‌دهد؛ مثلاً به مطالعه خانواده ایرانی از آغاز تاکنون می‌پردازد. در جامعه‌شناسی ایستا که گویی بی‌حرکت است، اموری که اساس هر جامعه را تشکیل می‌دهد، چون آداب و رسوم، اخلاق، صنعت، فرهنگ و پدیده‌های مشابه دیگر بررسی می‌گردد بدون این که به اصل و منشأ و مسیر تاریخی آن توجه شود. مبانی جامعه‌شناسی، دکتر منصور وثوقی و علی‌اکبر نیک خلق، ص ۲۹ و ۲۸.



محیط در وقوع جرم مربوط است به ساختمان جسمی و روحی فردی که در محیط مزبور قرار می‌گیرد. ضمناً برای واقعیت جرم تنها محیط مناسب کافی نیست، بلکه باید شخصی که مستعد ارتکاب جرم است در معرض محیط مزبور قرار گیرد تا جرم به وقوع پیوندد. بحث درباره محیط‌های مختلف که هر یک به نحوی مهم و از نظر شرایط در تکوین بزهکاری مؤثرند، به علت طولانی بودن در این مقوله جایی ندارد و فقط در این مبحث به علت این که یکی از مهم‌ترین و معنادارترین پدیده و شیوه زندگی مربوط به خانواده است، نگاه خود را اساساً متوجه ویژگی‌ها و اهداف آن معطوف می‌داریم تا مشخص شود این نخستین محل و عامل زندگی در تحت چه شرایطی دستخوش تغییرات و ناهم‌آهنگی نتیجتاً بزهکاری می‌شود و چگونه می‌توان برای سازندگی و تکوین یک نهاد و شخصیت ایده آل از این وجود شکل‌پذیر بهره‌گیری کرد.

محیط خانوادگی از نهادهای اجتماعی نخستین است و شالوده حیات اجتماعی محسوب می‌شود و گذشته از وظایف زاد و ولد و پرورش کودک برای استمرار بقای نوع بشر، وظایف مهم و متعدد دیگری از قبیل فعالیت‌های اقتصادی، تعلیم و تربیت و اجتماعی کردن فرزندان و انتقال هنجارهای مناسب اجتماعی و میراث‌های تاریخی و فرهنگی را نیز به عهده دارد.

خانواده نخستین محلی است که در رفتار طفل اثر می‌گذارد و با توجه خانواده طفل با فرهنگ اجتماع خود مانوس می‌شود و بارسوخ عواطف و احساسات انسانی شخصیت او شکل می‌گیرد. چنانچه در خانواده اختلالات و کمبودهایی وجود داشته باشد، آثار آن به مرور فرزندان خانواده را در بر می‌گیرد و احتمالاً آنان را در معرض فساد و تباهی و نتیجتاً به بزهکاری سوق می‌دهد.

اساساً فرزندان پس از تولد تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اعضای خانواده خود قرار دارند. خانواده در عین حال که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است، هسته اصلی جامعه و پایه و مبنای هر اجتماع بزرگ است و از مهم‌ترین نهادهای موجود در جامعه انسانی به شمار می‌آید. خانواده آینه شخصیت کودک است و کودکان آینده‌سازان جامعه‌اند. اگر سنجایا و سملکات انسانی از تمام راه‌های ممکن و با استفاده از لحظات گران‌بها به نحو ثمربخش به آنان تلقین و تعلیم داده شود، در

تکوین شخصیت ادراکی و زنده و هنجارهای معتدل و طبیعی آنان تأثیر مستقیم دارد. در این باره «اتین دوگریف»<sup>۱</sup> جرم شناس و روان پزشک بزرگ بلژیکی به عنوان یک انسان شناس درخشان عقیده دارد: اگر خانواده به وظایف تربیتی و عاطفی کودک و نیازهای طبیعی او توجه دقیق مبذول دارد، در تکوین شخصیت معتدل و والای کودک و معیارهای اخلاقی او آثار مثبت و حتمی برجای می‌گذارد و در حد فوق‌العاده می‌تواند تضمین‌کننده محو تصاویر نامطلوب و خشونت‌آمیز در آینده او باشد.

گفتنی است قرن هجدهم که عصر روشنگری لقب گرفته، عاملی اساسی بود که آرمان و ایده کودکی را شکوفا ساخت، بارور کرد و گسترش داد. در این سده مردان بزرگی چون گوته، ولتر، دیدرو، کانت، متسکیو و دیوید هیوم ظهور کردند که کارهایی بنیادین و اساسی در مورد کودکان مطرح و انجام دادند و آن، اجبار پدران و مادران به رعایت اصول انسانی نسبت به کودکان و سوجوانان و محدود شدن اختیارات آنان در کنار مسئولیت دولت و نظارت او بر آموزش و پرورش کودک بود که رفته رفته به نوعی همکاری و هماهنگی میان والدین و مأموران دولت بدل شد و در جهت مصالح کودک قرار گرفت. در سده هفدهم هم نقش «جان لاک»<sup>۲</sup> انگلیسی که معمار فلسفه و دموکراسی است و در آکسفورد تحصیل کرده، در کتاب خود، اندیشه‌هایی در باب تعلیم و تربیت<sup>۳</sup> که در ۱۶۹۳ منتشر شد، می‌گوید: کودک باید از بدنی سالم و قدرتمند برخوردار باشد تا بتواند به فرمان‌های روحی و عاطفی و انتظارات روانی خویش پاسخ‌دهی درخور و متناسب بدهد. وی ضمناً توصیه کرده است که در تربیت و پرورش کودک باید او را فوق‌العاده با ارزش به حساب آورد و ابعاد مختلف وجودی او را در نظر داشت و در عین حال از ظرفیت‌ها و توانایی‌های محدود او غافل نبود. در این نوع تربیت باید همواره تکامل روحی و افزایش قدرت خویشتن‌داری کودک را طلب کرد و راه را برای ارتقای او آماده ساخت. به عقیده لاک، لوح شخصیتی و روحانی کودک به هنگام تولد پاک و معصوم مانند

1. DR. DE. GREEFF (1898-1961)

2. LOCKE \_ JOHN \_ (1632 \_ 1704).

3. SOME THOVGHS. ON. EDUCATION.

برگه‌ای نانوشته است و در پرورش و صیانت آن باید وقت فراوان مبذول داشت و مادران، آموزگاران، مربیان و ارگان‌های اجرایی دولت را در حفظ و پرورش کودک مسئول دانست و آنان را مسئول هر آنچه بر روی این لوح معصوم نقش می‌بندد قلمداد کرد.

نتیجه این‌که کودک، در مرحله اول نیاز به یک جو مناسب و هماهنگ و امن دارد؛ جو دوستی و عشق، جو ایثار و محبت. مادر نخستین کسی است که می‌تواند به این نیاز پاسخ مثبت دهد و پدر نیز چون مادر نقش عظیم تربیت و تکوین شخصیت طفل را به عهده دارد و در هر دو حال در کمبود عواطف مادری و پدری و به وجود آوردن یک الگوی نامناسب برای فرزند به نوبه خود منشأ اغتشاشات و اختلالات شخصیتی، خلقی و روانی و اخلاقی برای او می‌شود و زمینه برای رفتارهای نابهنجار و گرایش‌های غیرطبیعی و انحرافی فراهم می‌شود و پیامدهای بزهکارانه را نیز به دنبال دارد.

### امکانات و اصول درمان و پیشگیری

در مباحث گذشته، انگیزه‌ها، گرایش‌ها، موقعیت‌ها و طغیان‌های حیاتی و اعمال دیگری که منجر به بزهکاری می‌شود، تشریح گردید. حال با شناختی که درباره چگونگی وقوع بزهکاری به دست آوردیم باید دانست مناسب‌ترین راه، تدابیر، ابزارها، و شیوه‌ها برای جلوگیری و خنثی کردن واکنش‌های خصمانه اجتماعی و اعمال بزهکارانه کدام است و مبارزه در قالب چه سیاست‌هایی باید انجام شود و اتخاذ تصمیم مطلوب بر چه پایه‌ای باید استوار باشد.

اکثر جرم‌شناسان استراتژی ضد بزهکاری را بر محور دو موضوع «پیشگیری» و «درمان» قرار داده‌اند. برخی دیگر معتقدند که ریشه اختلالات و به‌طور کلی پدیده مجرمانه را که سلامت پیکر اجتماع را همواره مورد تهدید قرار داده است، باید در جامعه مخصوصاً در خانواده که جزء کوچکی از جامعه و هسته اصلی و زیربنای آن است جستجو کرد. اینک به شناخت ویژگی‌های دو موضوع اساسی دیگر یعنی پیشگیری از وقوع جرم و درمان بزهکاری می‌پردازیم:

## الف) پیشگیری از وقوع جرم

پیشگیری یکی از هدف‌های مهم جرم‌شناسی است و از قدیم‌الایام مدنظر دولت‌ها و دانشمندان حقوق بوده است. امروزه نیز جرم‌شناسان به‌طور مداوم در این راه کوشش‌های فراوان به‌کار می‌برند که بتوانند قبل از فعلیت یافتن بزه خشونت‌های طبیعی انسان‌ها را مهار و راه‌های بهسازی روانی، احترام به هنجارها، قواعد و اصول و انضباط بزهکار را هموار سازند و بر مبنای این اعتقاد، با جهان بینی علمی به ذکر یک سلسله نظامات قطعی و برتر مبتنی بر اصول و ضوابط مسلم می‌پردازیم:

۱. سیاست کیفری (LA. POLITIQUE CRIMINELLE): سیاست کیفری به کلیه

تدابیر و شیوه‌های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی که قانونگذار در چارچوب قوانین و مقررات به منظور پیشگیری از پدیده مجرمانه در نظر می‌گیرد اطلاق می‌شود.

سیاست کیفری هر کشور بستگی کامل به ماهیت و روش نظام سیاسی حاکم در آن کشور دارد. مجازات‌هایی که قوانین کیفری به عنوان ضمانت اجرای جرایم ارتكابی معین می‌کنند، به منظور حفظ آرامش همگانی در برابر بزهکاری و هدایت پرخاشگری‌ها و خشونت‌های طبیعی به راه‌های صواب است که برای تعادل هر اجتماع ضروری است و در جهت مثبت آن، از اهدافی است که تمام جوامع در رسیدن به آن کوشش می‌کنند. با این حال کاربرد مکانیسم‌های کنترل اجتماعی و سیاست کیفری و دگرگونی سریع ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و فرآیندهای آن، نیاز به قوانین کیفری را با توجه به تحولات دائمی صنعتی و فرا صنعتی و اقتصادی جدید آشکار می‌سازد.

برقراری عدالت کیفری از طریق مجازات نقش حفاظت از عموم مردم را ایفا می‌کند و به عنوان ضمانت اجرای جرایم، هم به منظور پیشگیری و هم به منظور تهدید و ارعاب و هم به منظور تقبیح رسمی جامعه از اعمال ناپسند و مذموم است. به هر حال مجازات یکی از اصول اجتناب‌ناپذیر هر نظام کیفری و یکی از محورهای اساسی استراتژی ضد بزهکاری است. که دایره پیشگیری آن بیشتر مد نظر قانونگذار است.

۲. شرکت کل جامعه: شرکت افراد جامعه تحت ضوابط و هماهنگی مخصوص

اهمیت شایانی در خنثی کردن گرایش‌های بزهکارانه دارد، و گامی است بسیار نیرومند در جهت پیشبرد اهداف و هم بستگی‌های اجتماعی در پیشگیری از وقوع جرایم و مسلماً ارتقای سطح عقاید مذهبی و فرهنگی مثل تعلیم و تربیت صحیح برای اعتلای سطح تفکر در راه خیر، در پیشگیری از جرم‌نشیخ‌ان و آثار حتمی و مستقیم در پی دارد.

۳. پیشگیری فردی (PREVENTION - INDIVIDUEL): به وسیله آزمون‌های پیشگیری بر پایه علوم پزشکی، روان‌کاوی، روان‌شناسی و روان‌پزشکی با سرمایه‌گذاری‌های لازم و ارزش‌یابی طرح‌ها و نتایج سرمایه‌گذاری میسر است.

۴. پیشگیری گروهی: که عبارت است از آموزش عینی به افراد جامعه که به وسیله کمیته‌های هماهنگی، مأموران خدمات اجتماعی، مددکاران و نمایندگان سازمان‌هایی که هدف آن‌ها کمک به تقلیل بزهکاری است، همچنین تحقیقات لازم و کنفرانس‌های اختصاصی پیشگیری در مقیاس جامعه به منظور سازگار ساختن افراد.

۵. بررسی‌های مستقیم و غیر مستقیم: بررسی وضع زندگی خانواده‌ها و چگونگی تأثیر رفتار والدین در روحیه جوانان و نوجوانان و پیشنهاد راه‌های اصلاحی و درمانی توسط کارشناسان مسلماً نتایج مطلوب و ارزشمندی در پیشگیری از بزهکاری در بر خواهد داشت.

۶. ایجاد مؤسسات مؤثر در کاهش بزهکاری: مثل مؤسسات تفریحات سالم و باشگاه‌های ورزش مخصوصاً در مرکز شهرهای بزرگ برای تشویق جوانان به یک زندگی جمعی و احساسات بشر دوستانه و احترام‌آمیز به قانون و الغای مفاهیم ملامت و ملایمت نتیجتاً به منظور پر کردن ایام فراغت و بیکاری.

۷. اقدامات تأمینی (LES. MESURES DE SURETE): طریقه دیگر پیشگیری که علم جرم‌شناسی مخصوصاً بر آن تکیه دارد و آن را یکی از اساسی‌ترین اقدامات مبارزه با جرم و اعمال ضد اجتماعی به‌شمار می‌آورد، اقدامات تأمینی است. جرم‌شناسان معتقدند که اگر فردی در حالت خطرناک قرار گیرد - مثل مجانین و افراد روان‌پریش و مجرمان حرفه‌ای و به‌عادت - ضروری است که هرچه زودتر و قبل از

وقوع حادثه‌ای اقدامات لازم برای جلوگیری از تعدیات به صورتی منطقی به عمل آید وگرنه چنانچه تعلل و تسامح شود و حادثه‌ای روی دهد، جبران ناپذیر است و با اسلحه مجازات به جنگ معلول رفتن عملی ناصحیح و بی فایده است و به همین جهت هدف از اقدامات تأمینی ایجاب می‌کند برخی از افراد با وجودی که هنوز مرتکب عملی غیر اخلاقی نشده و صدمه و زبانی به کسی وارد نکرده‌اند، تحت مراقبت قرار گیرند و در محلی که افراد بتوانند از گزندهای احتمالی آنان در امان باشند نگهداری شوند.

### ب) درمان<sup>۱</sup>

درمان به طور کلی به کلیه روش‌هایی اطلاق می‌شود که هم جنبه پیشگیری از جرم دارد و هم با تهیه امکانات به شکل خاصی به معالجه بزهکار می‌پردازد.

در مفهوم عام، اصلاح و درمان بزهکار عبارت است از اجرای یک برنامه مداوای روانی و اخلاقی با رعایت شرایط لازم برای امنیت جامعه به منظور بهبود امکانات سازش‌پذیری اجتماعی او. به بیانی دیگر شناخت کلیه استعدادها و شایستگی‌های مجرمانه بزهکاران است تا بتوان با این آگاهی به درمان آنان پرداخت. درمان و پیشگیری از جرم در معنای کلی دارای یک هدف و مفهوم‌اند و آن جلوگیری از رفتارهای ضد اجتماعی افرادی است که زمینه ارتکاب جرم در آنان فراهم است؛ به منظور سلامت و بهداشت عمومی، چه از نظر اجرای یک برنامه مداوای روانی و پزشکی و اخلاقی با رعایت شرایط لازم برای تعمیم امنیت جامعه در مورد بزهکار بیمار و چه از نظر مفهوم «تهدید و تقبیح» وابسته به ضمانت اجرای کیفری که به تنهایی برای منصرف کردن بزهکاران بالقوه کافی به نظر می‌رسد.

درمان در جرم‌شناسی بالینی<sup>۲</sup> در جرم‌شناسی بالینی یا درمانگاهی مجرم یا بزهکاری از نقطه نظر پزشکی و روانی بررسی می‌شود.

1. TRAITEMENT.

2. CRIMINOLOGIE, CLINIQUE.

مطالعات این رشته از جرم‌شناسی برای شناخت علت جرم و تحقیقات اجتماعی و برای تشخیص عوامل نفوذبخش و درمان‌های لازم برای مرحله دادرسی و ارائه اطلاعات و نتایج، به انضمام پرونده شخصیت<sup>۱</sup> به قاضی به منظور اتخاذ تصمیم مقتضی درباره متهم و در نتیجه دفاع از اجتماع و پیشگیری از وقوع جرم انجام می‌شود. طبق نظر آنریکوفری جرم‌شناسی بالینی در مانگاه مستقلی است که در عین حال از در مانگاه پزشکی و در مانگاه اجتماعی متمایز است و با دورنمایی ترکیبی در حال رشد و توسعه است و در تمام شئون این دورنمای ترکیبی غلبه با مفهوم حالت خطرناک است؛ به عبارت دیگر کلیه معاینات و تحقیقات و آزمون‌ها در این‌گونه در مانگاه‌ها بر محور تشخیص حالت خطرناک دور می‌زند.

سیستم‌های دیگر درمان: درمان باید با توجه به واکنش مجرم، احساسات، رفتار و عادات او را به وضع مطلوب تغییر دهد و در این موارد لازم است بزهکاران با توجه به سن و میزان خطرناکی از یکدیگر تفکیک و درباره هر کدام برنامه مخصوص و در خور اجرا شود. به همین جهت با توجه به شخصیت و شناخت مجرم و آگاهی از میزان خطرناکی و واکنش‌هایی که نشان می‌دهد و در نهایت اطلاع بر کلیه عواملی که در او اثر نهاده است، برنامه درمانی خاص پیش بینی و اجرا می‌شود.

۱. در محیط آزاد و باز:<sup>۲</sup> یعنی محیط اجتماعی و خانوادگی که در آن‌ها فرد بزهکار با استفاده از تعلیق مجازات به صورت معمولی تحت مداوا و درمان قرار می‌گیرد.

۱. در کنار پرونده محاکمه کیفری که نشان دهنده عمل مجرمانه و دلایل ارتکاب جرم است، باید پرونده دیگری نیز به نام پرونده شخصیت تنظیم گردد تا قاضی رسیدگی کننده با مراجعه به هر دو پرونده تصمیم مقتضی را اتخاذ و رأی مناسب عادلانه صادر نماید. برای تشکیل پرونده شخصیت، منحصان جرم‌شناسی، کیفرشناسی (علم اداره زندان‌ها) مددکار اجتماعی، روان‌شناس، روان‌پزشک و مراجعین همکاری می‌کنند و بزهکار را مورد بررسی و آزمایش دقیق قرار می‌دهند و نتیجه را کتباً ضمیمه پرونده شناسایی شخصیت متهم می‌نمایند. نکات لازم الرعایه و مهم در پرونده شخصیت بدین قرار است: ۱- بررسی وضع ساختمان بدنی و جسمی (فیزیولوژیکی) و زیست‌شناسی متهم و نحوه کار مغز و غدد مترشحه؛ ۲- معاینه متهم از نظر روحی و روانی؛ ۳- بررسی وضع اخلاقی و خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی و چگونگی تعلیم و تربیت متهم. متأسفانه در دادگاه‌های ایران به پرونده شخصیت توجه نمی‌شود و احکام به‌طور سنتی صادر می‌شود که مطابق عدالت نیست، در حالی که در بیشتر کشورهای پیشرفته مثل کانادا و بلژیک از ده‌ها سال پیش پرونده شخصیتی علاوه بر پرونده کیفری مورد ملاحظه قاضی قرار می‌گیرد.

2. MILIEU \_ OUVERTE.

در این روش فرد آزمون شونده به زندگی عادی و اجتماعی خود ادامه می‌دهد و وظیفه متخصصان جمع‌آوری اطلاعات لازم در مورد اعمال و رفتار و معاشرت‌های مجرم و گزارش نتایج به انضمام نتایج آزمایش‌های پزشکی، روانی پزشکی و روان‌شناسی به مقامات قضایی است.

مؤسسه و سازمان‌های مرتبط، بیشتر زندان و ندامتگاه و کانون‌های مختلف اصلاح و تربیت و مراکز اصلاح اخلاقی دیگر است. در این مؤسسات بزهکاران با یاری مربیان به کارآموزی و کارورزی، آموزش و پرورش، تقویت روحیه و حالات سازگاری خود می‌پردازند.

۲. محیط‌های بسته: پژوهش و تحقیق در مورد شناسایی شخصیت بزهکار یا فردی که در حالت خطرناک است، باید اجرا شود. او را در محیطی بسته یا مرکز یا مؤسسه‌ای تحت نظر مراقبان برای مدت محدود نگهداری می‌کنند و از لحاظ روانی، جسمی، خانوادگی، محیط اجتماعی و غیره مورد آزمایش قرار می‌دهند و پس از تبادل نظر، کلیه کارشناسان نظریه خود را به مقامات قضایی اعلام می‌کنند. از محاسن این روش آن است که آزمون شونده در هر موقع در اختیار متخصصان است و به‌طور گروهی اعمال و رفتار بزهکار تحت بررسی، مشاهدات و مراقبت قرار می‌گیرد.

۳. محیط‌های نیمه باز: این محیط‌ها حد وسط محیط‌های باز و بسته است. در این محیط بزهکار به یک مرکز خصوصی یا به فردی که مورد نظر و اطمینان دادگاه است، یا به سازمانی که می‌تواند با مراقبت‌های متناسب دستورهای دادگاه را انجام دهد سپرده می‌شود؛ مثلاً کودکان بزهکار را با آموزش لازم به پدر و مادر و یا شخص معین صلاحیت‌دار و یا سازمانی می‌سپارند و با تغییر محیط، کانون جدیدی برای او در نظر می‌گیرند. در محیط نیمه باز یا نیمه آزاد بازداشتی‌ها روزها را در خارج از سازمان کار می‌کنند تا به آزادی مشروط زندانی منجر شود و بتواند شب را در منزل خود به سر برد و فقط برخی از ایام هفته به زندان برگردد.



تکنیک‌های متعدد رهیافت به موارد ضد بزهکاری علاوه بر آنچه گذشت، فراوان است. همچنین دستیابی به انواع بزهکاری‌ها نیز به علت نامشخص بودن، مخصوصاً در زمان و مکان، میسر قابل احصا نیست و به طور کلی می‌توان معلوماتی را از جنبه‌های مختلف ارائه داد که راهنمای اساسی و معیار واقعی بر ضد بزهکاری باشد؛ براین اساس:

۱. جستجوی علت وقوع جرایم: در جرم‌شناسی توجه به اصل علیت - همانطور که در تمام مکتب‌های فلسفی هم مورد بحث است - بسیار مهم و در خور توجه است و پژوهش در علیت وقوع جرایم نقطه شروع تحقیقات و مطالعات در جرم‌شناسی است. علت وقوع جرم ممکن است اجباری باشد مثل این‌که شخصی بر اثر بیماری روانی و عارضی ذهنی هم‌چون جنون که منجر به اختلال در محتوای شعور و روان فرد می‌شود دست به ارتکاب جرم بزند. در این صورت وقوع جرم خارج از اراده مرتکب حادث شده است. گاه ممکن است واکنش، یک محرک باشد مثل آشفتگی و اختلال وضع خانوادگی. اصل علت‌شناسی جنایی در جرم‌شناسی به قدری حایز اهمیت است که سازمان ملل نیز آن را مورد توجه قرار داده و گفته است: علت شرط لازمی است که بدون آن رفتار مجرمانه بروز نخواهد کرد. نتیجتاً برای قلع و قمع ریشه‌های بزهکاری باید با علل وقوع جرایم به مبارزه برخاست؛ چون علت که از بین رفت معلول هم به وجود نمی‌آید.

۲. پیش‌بینی تحولات بزهکاری در آینده نیز شایان توجه است؛ زیرا پیشرفت‌های سریع علم و تکنولوژی و سیستم‌های رایانه‌ای و انفورماتیک به احتمال قوی منشأ انواع جدیدی از بزهکاری خواهد بود و ظهور دگرگونی‌های چشم‌گیر اجتماعی و اقتصادی و افزایش فوق‌العاده جمعیت جهان می‌تواند بخشی عمده از مطالعات جرم‌شناسی در سال‌های آتی قلمداد شود و مسلماً محور اصلی تمام ایده‌های پژوهشی در حیات انسانی قرار خواهد گرفت.

۳. چنان‌که در سطور قبل اشاره شد، سیستم‌های کنترل غیر کیفری از بزهکاری وجود دارد که نقشی متغیر اما بسیار مؤثر در پیشگیری از وقوع تبهکاری و تکرار

جرم دارد؛ از جمله آموزش و پرورش کودکان در خانواده و مدرسه به نحوی سالم و طبیعی و در محیطی آزاد و محترم. گفته شد که خانواده زیربنا و هسته اصلی جامعه است و در خانواده حقوق کودک از اولویت اساسی و منزلت و ارزش خاص برخوردار است. لذا سرلوحه تمام مبارزات با بزهکاری توجه به مبانی شکل‌گیری شخصیت و ماهیت طبیعی و سالم کودک است و به نظر می‌رسد تنها رعایت اعلامیه جهانی مورخه بیستم نوامبر ۱۹۵۹ حقوق کودک که در ده اصل تدوین شده و کلاً متضمن برخورداری همه کودکان بدون تبعیض نژاد، رنگ، زبان، دین، ثروت یا ویژگی‌های دیگر است، با برخورداری از امکانات و وسایل ضروری برای پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی و در فضایی پر محبت در امنیت کامل اخلاقی و مادی با روحیه‌ای پر تفاهم به دور از هر گونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار می‌باشد. مقامات اجتماعی و مسئولان نیز به‌طور مداوم برای پیشبرد این شرایط موظفند اهتمام نمایند که با مناسب‌ترین وجه امکان‌حمایت و برخورداری کودک از کلیه حقوق متعادل شخصیتی و تأمین میسر گردد. در خاتمه به نظر می‌رسد اتکا و دستیابی به حقایق مسلم بالا اصیل‌ترین راه برای سلامت و ارتقای امنیت در کلیه جوامع بشری است.

### فهرست منابع

در این مقاله علاوه بر کتاب‌هایی به زبان فرانسه و انگلیسی، از منابع فارسی زیر استفاده شده است:

۱. مبانی جرم‌شناسی، تألیف مرحوم دکتر مهدی کی‌نیا، جلد اول و دوم.
۲. جرم‌شناسی نظری، تألیف ریموند گسن، ترجمه مرحوم دکتر مهدی کی‌نیا، ۱۹۸۸.
۳. مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، اثر ریموند گسن، ترجمه مرحوم دکتر مهدی کی‌نیا، ۱۳۷۰.
۴. روان‌شناسی جنایی، تألیف مرحوم دکتر مهدی کی‌نیا، ۱۳۷۴.
۵. اصول روان‌شناسی، تألیف نرمان ل. مان، ترجمه دکتر محمود ساعتچی.
۶. مبانی جامعه‌شناسی، تألیف دکتر منصور وثوقی و علی اکبر نیک خلق.
۷. سیر حکمت در اروپا، تألیف محمد علی فروغی، جلد اول و دوم.
۸. روان‌شناسی کیفری عمومی، تألیف دکتر سیروس عظیمی.

۹. کلیات جرم‌شناسی، دکتر رضا مظلومان، جلد اول و دوم.
۱۰. دانشنامه جرم‌شناسی، تألیف دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، حمید هاشم‌بیگی.
۱۱. جرم‌شناسی، تألیف ژرژ بیکاکا، ترجمه دکتر نجفی ابرند آبادی.
۱۲. دفاع اجتماعی، تألیف مارک آنسل، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر نجفی ابرند آبادی.
۱۳. مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی جنایی، تألیف دکتر هدایت‌الله ستوده.
۱۴. آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، تألیف محمد حسین فرجاد.
۱۵. بزهکاری اطفال و نوجوانان، تألیف دکتر هوشنگ شامبیاتی.
۱۶. کیفرشناسی و حقوق زندانیان، تألیف دکتر تاج زمان دانش.
۱۷. زمینه جرم‌شناسی، تألیف دکتر رضا نوربها.
۱۸. مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد اول، ۱۳۲۶.
۱۹. اضافه جمعیت، تألیف بو تول گاستن، ترجمه دکتر حسن پریان، ۱۳۷۰.
۲۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. جرم‌شناسی جبر روانی، رمضان الطافی.
۲۲. «زن چیست؟»، نوشته دکتر مستشفی پزشکیپور، مجله دانشمند، شماره ۱۱، ۱۳۷۲.
۲۳. مجرم کیست و جرم‌شناسی چیست، تألیف دکتر تاج زمان دانش، ۱۳۶۸.
۲۴. جرم‌شناسی: جزوه درسی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد، دکتر ناصر مهران.